

تبادل اقتصادی در معماری اسلامی

حامد محمدی خوش‌بین^۱، محمدتقی پیربایی^۲

دانشجوی دوره دکتری معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

khoshbin.hm@gmail.com

چکیده

در اسلام عدل به مثابه اصلی اساسی و بنیانی تلقی می‌گردد که خلقت هستی بر پایه آن صورت گرفته است و تدبیر امور عالم بر اساس آن تحقق یافته و کتب آسمانی و بیان شرع بر مبنای آن و در جهت تحقق آن می‌باشد. در نگاه اسلام و اندیشه قرآنی عدالت صرفاً مفهومی انتزاعی نیست بلکه مفهومی حقیقی بوده که قابلیت تحقق در تمام ابعاد فکری و عملی زندگانی انسان را دارا می‌باشد. عدالت در معماری اسلامی به عنوان یکی از بخش‌های زندگی انسان مسلمان در جامعه اسلامی محقق یافته و یکی از اساسی‌ترین بنیادهای معماری اسلامی دست‌یابی به تعادلی ظریف بین عناصر عملکردی و معنوی است. با شناخت محیط و طبیعت و همچنین درک مناسب از مفهوم هماهنگی، معماران مسلمان دریافته‌اند که در بین تمامی ابعاد موجود در عالم نقاطی قانونی وجود دارند که در رسیدن به اعتدال و کمال جسم و روح حیاتی‌اند و از آن در معماری بناهای خویش بهره‌جستند. از دیدگاه ایشان اعتدال به منزله دست‌یابی به تمامی ابعاد و عناصر بصورت همه‌جانبه برای رسیدن و تجربه تمام و کامل خویش در بنای معماری می‌باشد. این مقاله به بررسی و شناخت ابعاد مختلف این موضوع پرداخته و درک و دریافت معماران مسلمان از منابع دینی برای دست‌یابی و استفاده از آن‌ها در معماری اسلامی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این میان مبحث اقتصاد از میان جنبه‌های دیگر بصورت دقیق‌تری مورد کنکاش واقع می‌شود. با بیان ویژگی‌ها و تجلی‌های مختلف آن در بناهای اسلامی، مفهوم تبادل اقتصادی در معماری اسلامی تبیین می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: عدالت، تبادل اقتصادی، معماری اسلامی

۱- دانشجوی دوره دکتری معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

مساله عدالت، مساله‌ای است که از یک سو، انسان به عنوان تنها موجود صاحب عقل و عدالت‌جو، و در عین حال مختار و آزاد، پیوسته در پس شناخت و اجرای آن بوده است. و از دیگر سوی، فطرت انسانیش او را به سوی عدالت و عدالت خواهی سوق می‌داده است.

بر همین اساس، موضوع عدالت در بطن نگرش عقلی بشر و در قلب فطرت عدالت خواهی و غریزه نوع دوستی او قرار دارد و این موضوعی است انسانی؛ بدین معنی که برای همه آدمیان دارای فطرت سالم و عقل سلیم به صورت کمابیش یکسان، قابل ادراک و احساس است. هم چنین از آنجایی که این نگرش عقلی و تلاش حقیقت جویانه، امری انسانی و همزاد اوست، اختصاص به گروه، قوم یا نژادی ندارد. از این روی در تمامی طول تاریخ در گذر تمدن‌های مختلف، افراد اندیشمند و آگاهی بودند که دل مشغولی توجه و دعوت به عدل در تمام ابعاد گوناگونش، و تلاش برای تحقق آن در جوامع و شهرها بوده اند. خواه این افراد وجهه دینی داشته اند و یا صبغه عقلی و فلسفی.

عالم هستی به دست آفریدگاری توانا بنا نهاده شده که تعادل و عدالت را بین تمام کائنات مایه آرامش قرار داده است. از آن جایی که انسان، خلیفه و جانشین خدا در زمین است، شرط این خلافت و جانشینی، تعهد فعل و عمل خلیفه به صفات الهی است. یکی از ویژگی‌های معماری مسلمانان، بهره‌گیری از تعادل در کل بنا و اجزای آن و هم‌چنین یافتن روش‌های دستیابی به عدالت در معماری است.

معماری مجموعه‌ای از عناصر است که با گونه‌ای با هم ترکیب شده اند، و شکل نهایی آن به چگونگی ترکیب عناصر تشکیل دهنده آن بستگی کامل دارد. تعادل نیز هماهنگی میان تک‌تک بخش‌های شکل دهنده فرآیند، فضا و بنای معماری را به ارمغان خواهد آورد. در این پژوهش به مفاهیمی همچون عدل و عدالت، تعادل و تاثیر آن‌ها در شکل‌گیری بنای معماری و در انتها به شاخصه‌های موثر تعادل اقتصادی در معماری اسلامی پرداخته می‌شود.

۲- روش تحقیق

هدف از این بررسی تبیین ویژگی‌های تعادل در بناهای معماری اسلامی می‌باشد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق «تحلیلی توصیفی» ضمن بررسی ادبیات موضوع، به تجزیه و تحلیل تعادل در معماری اسلامی بالاخص بحث تعادل اقتصادی در معماری اسلامی پرداخته است. روش گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و پس از بیان چارچوب نظری پژوهش مفهوم تعادل اقتصادی بحث می‌گردد. سپس محورهای مطرح شده مورد بررسی قرار گرفته و مولفه‌های موثر در تعادل اقتصادی ارائه می‌گردد.

۳- تعادل

تعادل (ت د) در فرهنگ معین [ع .] ۱ - (مص ل .) با هم برابر شدن. ۲ - (امص .) برابری . ۳ - هنگامی جسمی در تعادل است که متجه همه نیروهای وارد بر آن برابر صفر باشد (فیزیک). ۴ - وضعیتی که شخص در آن حالت مطلوب و طبیعی دارد و در برابر محرک‌ها واکنش طبیعی از خود نشان می‌دهد (روانشناسی). ۵ - کامل نشدن واکنش شیمیایی در اثر پیدایش واکنش معکوس که در پایان دو واکنش با سرعت مساوی انجام می‌گیرد و دستگاه بی‌تغییر می‌ماند (شیمی). ۶ - تناسب (هنر) و در فرهنگ دهخدا یکدیگر راست آمدن، با یکدیگر برابر شدن، هم‌سنگی، با یکدیگر راحت شدن، با هم برابر شدن معنی شده است.

تعادل در روان‌شناسی نشان‌دادن واکنش‌های طبیعی در برابر محرک‌ها و در اقتصاد به معنای توازن . در هنر به معنای تناسب است. (صدر افشار و دیگران ۱۳۷۳)

۴- مفهوم عدل و عدالت از دیدگاه اسلام

عدل و قسط در اسلام و قرآن جایگاهی بس والا به خود اختصاص داده است. در این دین آسمانی، عدل به مثابه اصلی اساسی و بنیانی تلقی می‌گردد که خلقت هستی بر پایه آن صورت گرفته است و تدبیر امور عالم بر اساس آن تحقق می‌یابد و کتب آسمانی و بیان شرع بر مبنای آن و در جهت تحقق آن است. از منظر قرآن و اسلام، عدالت هم اصل و هم مبدا هستی است، بدین معنا که هستی براساس آن و مطابق آن به وجود آمده است: « وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ^۱؛ و هم والاترین هدف جهان و آدمیان و شرایع و ادیان برای رسیدن به عدالت و تحقق آن در جامعه و نفس انسان است؛ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ^۲.

بر همین مبنا اسلام، عدالت اساساً و فی‌الذات دارای ارزش است و به عبارت دیگر، دارای ارزش ذاتی است و سلامتی و امنیت همه امور به آن وابسته است و به همین دلیل است که خداوند به همه انسان‌ها، بویژه اهل ایمان، موکداً دستور می‌دهد که برپا دارنده عدالت و قسط باشند. در نگاه اسلام و اندیشه قرآنی عدالت صرفاً مفهومی انتزاعی نیست بلکه مفهومی حقیقی است که قابلیت تحقق در تمام ابعاد فکری و عملی زندگانی انسان را دارا می‌باشد.

هم چنین قرآن کتاب عدل و قسط است و برای تحقق عدل و قسط در جامعه بشری نازل شده است.

۱ - آیه ۱۱۵ سوره انعام

۲ - آیه ۲۵ سوره حدید

در اندیشه اسلام و قرآن به عنوان وحی الهی و کتاب تعالیم محوری در اسلام، عدل و عدالت به مثابه صفت و ملکه انسانی که نسخه زمینی صفت عدل الهی می باشد، ریشه در فطرت انسانها دارد. پس عدالت امری است فطری که انسانها ذاتاً به آن تمایل دارند و باید در راستای تحقق آن در ملکات فردی و ساختار اجتماعی کوشا باشند.

با توجه به نکات فوق، در این مبحث به بررسی مفهومی مساله عدالت در ارکان مختلف مباحث اسلامی با رعایت اصل اقتصاد، پرداختن به نکاتی که مستقیماً مورد مطلوب این نوشتار است؛ و ارائه گزاره‌های کلیدی در بدنه تحقیق حاضر؛ خواهیم پرداخت.

۴-۱- عدل در قرآن کریم

قرآن خود کتاب عدل و قسط است، یعنی از سویی مبتنی بر عدل است و از دیگر سوی، برای تحقق عدالت در بین افراد بشر است. به طور کلی، عدالت، ظاهر و باطن قرآن است. که البته این تعبیر از آن امام خمینی (ره) است. (قرآن کتاب هدایت در دیدگاه امام خمینی ۱۳۷۵: ۱۶) خدای قرآن، خدای عادل است و عدل یکی از صفات او می باشد. عدل الهی از منظر قرآن، واقعیتهایی عینی و زیربنا و اساس عدالت در فرد و جامعه است؛ عدل الهی یکی از اصول آفرینش است و بر همین اساس یکی از اصول اساسی در زندگانی افراد و جوامع محسوب می شود.

در قرآن کریم برای بیان مفهوم عدالت از دو واژه مهم عدل و قسط استفاده شده است. البته در قرآن واژه‌ها و اصطلاحات دیگری به کار گرفته شده است که مترادف این دو یا بیانگر بعدی از ابعاد عدالت و یا بیانگر توضیح یا وصفی از اوصاف عدالت است؛ هم چنین برخی از این واژه‌ها بیانگر مصادیق عدل و قسط در خلقت هستی یا ابعاد زندگی اجتماعی می باشند. اما از آنجایی که از حیث مرتبه و ارزش در مقام بعدی نسبت به آن دو کلمه اصلی هستند، فقط به ذکر آنها بسنده می کنیم. واژه عدل به صورت مجرد و همراه با مشتقات آن به طور کلی، در ۲۵ آیه از ۱۱ سوره قرآن آمده است، همچنین واژه قسط به صورت مجرد و همراه با مشتقات آن به طور کلی، در ۲۲ آیه از ۱۵ سوره قرآن مجید جای گرفته است.

مفاهیم عدل و قسط بر اساس قرآن کریم

عدل و عدالت و قسط همه مصادر عربی هستند و در لغت به معنای متعددی چون داد، قسمت، سهم، انصاف، اعتدال، تعادل، استحقاق، مساوات، حق، راستی، میانه روی، وسط و ... آمده اند. در مجموع از لحاظ محتوایی عدل و قسط در یک نگاه به مفهوم، «رعایت استحقاقها و عطا کردن به هر ذی حقی، آنچه که استحقاق آن را دارد» و نیز به معنای «رعایت استحقاقها در افاضه وجود» عنوان شده است.

در مجموع چند نکته در این باب به کمال درک مفاهیم این دو و تبیین و تشارک آن دو کمک بیشتری

می‌کند.

الف) از بررسی موارد استعمال و مشتقات قسط این چنین برمی‌آید که قسط در اصل به معنی رساندن شیئی به موردش و قرار دادن حقی به جای خود است، و بدون شک این اتفاق رخ نمی‌دهد، مگر اینکه عدالت به مرحله اجرا در بیاید لذا قسط همان همان سهم و نصیب است که اگر توزیع آن عادلانه باشد امری مطلوب است، لذا رابطه قسط و عدل، عموم و خصوص مطلق است.

ب) قسط در حوزه تحقق قبل از عدل قرار دارد و عدل در واقع کمال قسط است.

نمونه‌هایی از مصادیق تحقق عدل و قسط

نهی ربا، تشریح زکات و خمس، حمایت از حقوق بشر و حقوق مستمندان و ضعیفان، نفی تجمل پرستی و دنیاگرایی، همدردی با ستمدیدگان و یاری ضعیفا، نفی هرگونه تبعیض، رعایت عدالت در حکومت بر جامعه، نهی انباشت مال و ثروت، اعتدال و میانه روی در اداره امور فردی و اجتماعی

۴-۲- عدل در اندیشه رسول خدا (ص)

الف) برابری و یکسانی انسانها در خلقت و وجود. (تحف العقول ۱۳۹۸ ق:۳۳)

ب) اصل آزادی مبتنی بر برابری نوع انسانی (نهج الفصاحه ۱۳۷۷ ش: حدیث ۲۱۷۷)

پ) اخوت و برابری انسانها (اندیشیدن به مصالح عامه-تعاون و همکاری-مسئولیت پذیری)(تحف

العقول ۱۳۹۸ ق:۳۳)

ت) مردم‌نگری، دیگرخواهی، عام‌نگری (نهج الفصاحه ۱۳۷۷ ش: حدیث ۲۷۰۰)

ث) مهرورزی و تودد و دوستی با مردم (نهج الفصاحه ۱۳۷۷ ش: حدیث ۱۶۳۶)

در مجموع پیامبر (ص) با تکیه بر این اصول به تکامل جامعه به سوی عدالت نظر دارد و در باب عدل انسانی به رعایت عدالت در اندیشه، گفتار و کردار تأکید می‌ورزد. نگاه پیامبر اسلام به مفهوم عدل نگاهی جامع‌الاطراف است و همه جانبه و چند بعدی است، از بیانات و اظهارات آن حضرت می‌توان چنین بیان نمود، که آنگاه که ایشان عدل را به معنای عدل کلی و وجودی در نظر می‌گیرد بیشتر به تناسب و اعتدال و برابری حقیقی نظر دارد. یعنی توازن و برابری در حکمت و آنگاه که ایشان عدل را به معنای عدل انسانی آن در نظر می‌گیرد، مساوات واقعی در میان مردم و رعایت جایگاه راستین امور را در نظر دارند. و درین نگاه عدل به معنای انسانی، میزان خدا بر روی زمین است. در جایی دیگر در روایتی ایشان با بهترین خطاب به حضرت علی می‌فرمایند:

«یا علی ما کرهته لفسک فاکره لغيرک و ما احببه لفسک فاحببه لاختیک تکن عادلاً فی حکمک، مقسطاً

فی عدلک، محبا فی اهل السما، مودوا فی صدور اهل الارض.» (تحف العقول ۱۳۹۸ ق:۱۵)

در این روایت ایشان با ساده ترین بیان، معیار وجود عدل و قسط در جامعه را گذشتن از منافع فردی و توجه به مصالح عمومی و یکسان انگاری و یکسان نگری می دانند. هم چنین معیار و شاخص های عملی عدالت در اندیشه آن حضرت در ۳ موضوع زیر قابل طرح است :

الف) عدالت در اندیشه ورزی ب) عدالت در اعتقادات پ) عدالت در رفتار و کردار و کنش اجتماعی نتیجه این ۳ موضوع جایگزینی اراده جمعی به جای اراده فردی است. همچنین عمومیت عدل که از زبان ایشان در احادیث و خطبه های فراوانی مطرح گشته نشان دهنده گستردگی مفهوم مساوات و یکسان انگاری نزد حضرت (ص) می باشد. در نهایت در دیدگاه حضرت عدالت رکنی است که بقای جامعه منوط به آن است و بدون تحقق آن جامعه باقی نخواهد ماند و در بعد سیاسی ثبات و پایداری نخواهد داشت.

۴-۳- اهمیت و ضرورت عدالت در اندیشه و کلام امام علی

امام علی(ع): «اما و الذی فَلَقَ الحَبَّةَ، و برأ النِّسْمَةَ، لو سَلَکتم الحق من نَهْجِه... ما عال فیکم عائل، و لا ظَلَم منکم مسلمٌ و لا مُعاهد...» (مستدرک نهج البلاغه : ۳۱) سوگند به خدایی که دانه را شکافت، و جاندار را آفرید، اگر راه حق را از طریق روشن آن پیموده بودید... دیگر هیچ خانواده ای بی هزینه نمی ماند، و هیچ مسلمان یا کافری که در پیمان مسلمانان است، گرفتار ستمی نمی گشت...»

این ملاک محسوس و ملموس عدالت است، که هیچ کمبود و کاستی را در جامعه نمی پذیرد؛ حتی اگر نیازمندی غیر مسلمان دیده شود، پذیرفتنی نیست. برای اهمیت این موضوع در تبیین عدالت، از حدیثی دیگر در تفسیر سخن والای امام علی(ع) بهره می گیریم:

امام علی(ع): «الرعیة لایصلحها الا العدل؛ (الحکیمی و دیگران : ج ۶، ص ۴۰۰) مردمان جز در پرتو عدل به سامانی شایسته دست نیابند.» سامانیایی اجتماعی در گرو این است که همگان به قوانین گردن نهند، و حقوق و حرمت افراد رعایت شود، و هر کس نسبت به همه مردم متعهد باشد، و به مقررات آن پای بندی نشان دهد، و از حریم آن دفاع کند، و برای تعالی و شکوفایی آن بکوشد، و از این رهگذر جامعه به انسجامی پولادین برسد. اینها همه آنگاه ممکن است که عدل حاکم باشد، و مردم اطمینان داشته باشند که حقوقشان پاس داشته می شود، و حق به حقدار می رسد، و هر کس در جای و پایگاه شایسته خویش قرار می گیرد، و کسی نمی تواند به حقوق دیگران تجاوز کند، یا شایستگیها و مهارتها را با اعمال نفوذ ناشایستگان نادیده بگیرند. این اطمینان خاطر همگانی، به ملت کیان و به اجتماع هویتی نیرومند می بخشد، و میان افراد و نظام اجتماعی پیوندی ناگسستنی پدید می آورد، و همین پایگاه اصلی پایداری و استواری اجتماعی می گردد، که آنرا از هرگونه سقوط و آسیبی دور می سازد.

۵- اقتصاد

اقتصاد (ا ت) [ع .] در فرهنگ فارسی معین ۱ - (مص ل .) میانه روی در هر کاری . ۲ - رعایت اعتدال در دخل و خرج . ۳ - (مص .) میانه روی در هزینه ها، میان کاری . ۴ - مجازاً صرفه جویی .؛ علم یکی از رشته های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی که بر امور مذکور حکومت می کند و وسایلی که باید در عمل با توجه به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجبات سعادت و ترقی جامعه و رفاه و آسایش افراد آن تامین گردد، بحث می کند. اقتصاد در لغت نامه دهخدا میانه روی و میانه راه رفتن معنی شده و علم اقتصاد به مجموع وسایلی که برای رفع نیازمندیهای مادی بشر از آن استفاده می شود، بیان گردیده است. یک اقتصاد برآیند کلیه فرآیندهایی است که فرهنگ، ارزشها، آموزش، تکامل تکنولوژیکی، تاریخ، سازمان اجتماعی، ساختار سیاسی و سیستمهای قانونی و همینطور جغرافیا و مواهب طبیعی را دربر می گیرد. این عوامل زمینه، محتوا و شرایطی را که یک اقتصاد در آن عمل می کند را تعیین می نمایند.

۵-۱- تعادل اقتصادی

در علم اقتصاد، تعادل اقتصادی زمانی است که بردارها متعادل هستند و در غیاب اثرات برون (تعادل) ارزش متغیرهای اقتصادی تغییر نخواهد کرد. این نقطه ایست که مقدار تقاضا و مقدار عرضه برابرند. بطور کلی هرگاه میزان ورود مواد مصرفی با مقدار تقاضای مصرف هماهنگ و متعادل باشد آن جامعه دارای تعادل اقتصادی می باشد. اقتصاددانان با توجه به همین اصل ویژگی های مختلف شرایط ایجاد تعادل اقتصادی و مفاهیمی از این دست را تبیین نموده اند. در نظریه کلاسیک، تعادل اقتصادی براساس تساوی عرضه و تقاضای کل در جامعه بیان می شود و براساس این تساوی، عناصر تولید به حد اشتغال کامل خود می رسند. تساوی عرضه و تقاضای کل در وضع اشتغال کامل در علم اقتصاد به تعادل اشتغال کامل معروف است. عرضه کل، عرضه محصول ملی حاصل از تولید ملی است. تقاضای کل، تقاضای محصول ملی است که از حاصل جمع تقاضای کالاها و خدمات در جامعه به دست می آید. اشتغال کامل یعنی اشتغال عناصر کار و سرمایه، و همانطور که در تعادل اقتصادی به مفهوم کلاسیک اشاره شد، این عوامل به حد اشتغال کامل خود می رسند. براساس نظرات کلاسیک های جدید درباره تعادل، یک اقتصاد در شرایط آزادی اقتصادی تعداد عاملان تولید و مواضع مصرف را با یکدیگر متعادل می کند؛ به طوری که رضایت مصرف کنندگان، میزان رشد فعالیت های مختلف اقتصادی را تعیین می کند و هرگاه تغییر سلیقه ها و تعداد کالاها تغییر یابد، تعادل اولیه

به هم می خورد و تعادل تازه ای حاصل می شود. نظام قیمت ها، مدام با تغییرات خود، اشتغال کامل عوامل و استفاده کامل از تولیدات تازه را تأمین می کند. (زندى حقیقی: ج ۳، ص ۴۱)

تبیین تعادل از مسائل مهم اقتصادی است. در سطح تعادل، عرضه کل و تقاضای کل برابر می شوند و در سطح این برابری، عناصر تولید به کار گرفته می شوند و سطح اشتغال معین و مشخص می شود. به این ترتیب، تعادل اقتصادی در سطوح مختلف نشان گر به کار رفتن ابعاد مختلف سرمایه و نیروی کار مورد استفاده در جامعه است. (زندى ۱۳۶۹: ۲۷۵)

مفهوم تعادل اقتصادی در زمینه های دیگر نیز کاربرد دارد. تعادل در نظام عرضه و تقاضا و همچنین فرایندهای مختلف کاربردی و کاربری در معماری اسلامی با توجه به مفهوم عدالت و عدل قابل جستجو و بررسی می باشد. در این پژوهش تعادل اقتصادی نه بصورت مفهومی متعارف در اقتصاد بلکه به عنوان مفهومی که در معماری اسلامی متجلی گردیده مورد بحث قرار می گیرد. بناهای مختلف معماری دوره اسلامی از جنبه های مختلف بررسی شده و عناصر و مولفه های شاخص تعادل اقتصادی در آنها تبیین می گردد. این شاخصه ها و مولفه ها را می توان در سه محور تثبیت، توزیع و تخصیص دسته بندی نمود.

تثبیت همان بخش ابتدایی در ایجاد تعادل در شهرهای اسلامی می باشد نقش عدل در ایجاد شهر مناسب زیستن مسلمین و تداوم حیات آن، نقشی بسیار حساس و حیاتی است، ملحوظ داشتن این اصل در برنامه ریزی ها و طرح ها یکی از بارزترین زمینه های ایجاد وحدت و هویت در شهر اسلامی می باشد. تثبیت همان اصولی است که معماران مسلمان در بناهای اسلامی رعایت کرده و مفاهیم موجود در دین را به صورت کالبدی و فضایی نشان می دادند.

توزیع عادلانه امکانات شهری و فراهم آوردن امکان دسترسی متعادل ساکنین به آنها مورد مهم دیگری است که از نشانه های وجود عدل و تعادل می باشد. استعداد و مکان یابی مناسب هر عنصر و فضای شهر و ارتباط منطقی و مناسب آنها با یکدیگر نیز ریشه در رعایت عدل و تعادل در معماری اسلامی دارد.

رعایت عدل نافی قطب بندی های اجتماعی و کالبدی می باشد و توزیع متعادل به تنهایی نمی تواند متضمن دستیابی متعادل باشد بنابراین تخصیص متناسب به هر بخش از ضروریات ایجاد تعادل می باشد. کاربری های مختلف بنا به نوع استفاده و نیاز در بخش های مختلف طراحی و ساخت و این ویژگی ها در درون هر کدام نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۶- تعادل اقتصادی در معماری اسلامی

تعادل ایجاد وحدت در حجم ها، وزن ها و رعایت اقتصاد، یک اصل اسلامی است. معماری اسلامی به گونه ای است که همواره در پی برآورده کردن اصول اسلامی در جامعه و برطرف کردن نیازهای مردم بوده

است و برقراری عدل و عدالت نیز از این جمله موارد می‌باشد. اقتصاد به معنای میانه‌روی یک اصل دینی است و با مفهوم عدالت قرین است اما تعادل اقتصادی با مفهومی امروزی نیز قابل ردیابی و بررسی در معماری اسلامی می‌باشد. معماری اسلامی با عناصر گسترده و سعی در تجلی اسلام در همه جوانب خود دارد. شهر نیز باید بتواند پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف انسان را از طریق فراهم آوردن اماکن و فضاهای مرتبط با هر کدام از نیازها از طریق ایجاد تعادل فضایی بین فرم‌ها، اشکال اماکن و فضاهای مختلف از طریق مکان‌یابی متوازن و هماهنگ عملکردهای پاسخ‌گو به نیازهای مختلف انسان و نیز ارتقا آگاهی و دانش جامعه نسبت به ابعاد وجودی خویش به طور متعادل عهده‌دار شود. (امین‌زاده و دیگران ۱۳۸۱) در بخش قبل اشاره به سه محور در تحقق این امر شد و توضیح مختصری درباره هر کدام از این محورها داده شد. در این قسمت به بیان برخی مؤلفه‌های موثر در این محورها و نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته و ویژگی‌های آن‌ها بیان می‌گردد.

۶-۱- تثبیت

این محور اصول و قواعد ساخت و طراحی بناهای اسلامی برگرفته از مفاهیم دینی را شامل می‌گردد. تثبیت توجه به جزئیات و کارکرد با کلیات را به همراه دارد. تک‌تک عناصر و بخش‌های بنا با یکدیگر و بناهای مختلف در کنار هم مجموعه‌ای متعادل را که همان شهر اسلامی می‌باشد شکل می‌دهند. رعایت این نکات و همگانی بودن اجرای آن‌ها متضمن یک هماهنگی و وحدت در بناهای اسلامی می‌گردید بنابراین این اصول و قواعد را می‌توان در نمونه‌های مختلف جستجو نمود.

تناسب: رعایت تناسب میان اندام‌های ساختمانی با اندام‌های انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان‌سازی از ویژگی‌های معماری اسلامی است. معماری اسلامی باید مقیاس انسانی داشته باشد و در آن اندازه‌ها مشخص و بر اساس منطق است.

خودکفایی: موضوع خودکفایی در بنا بسیار اهمیت دارد. استفاده از مصالحی که در آن منطقه موجود بود و چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها باعث می‌شد تا بناهایی با کمترین هزینه و بیشترین کارایی ساخته شوند. به عنوان مثال برای گودکردن ساختمان و دسترسی به آب، ناگزیر باید خاکبرداری فراوانی می‌شد. در تهران، آب رو گذر بود و از آن برای پر کردن آب انبارها بهره می‌بردند. در کاشان، زواره و نائین آب زیر گذر بود، برای همین میانسرا را چنان گود می‌ساختند که تنه درختان باغچه در گودی پنهان می‌شد. خاک برداشته شده دوباره در همان ساختمان بکار برده می‌شد. گود شدن ساختمان به ایستایی تاق‌ها بدلیل اینکه، زمین پشت بند در برابر رانش بود، نیز کمک می‌کرد.

پرهیز از اسراف : خداوند مسرفین را دوست ندارد. پس در معماری اسلامی بایستی از انجام هرگونه کار بیهوده و یا اسراف در ساختمان احتراز نمود. این پرهیز در اسراف خود را در دو بعد مختلف نشان می‌داد. در بعد کالبدی استفاده از مصالح مناسب و هماهنگ با محیط و اقلیم و همچنین تکنیک‌های ساخت معمارین سعی داشتند تا حد امکان در این امر کوشا باشند. در همین راستا با ابداع فرم‌های سازه‌ای متناسب، بناهایی مستحکم ساخته شده است تا در مدت طولانی‌تری مورد استفاده قرار گرفته و در مقابل عوامل محیطی پاسخگوی نیازهای انسانی باشد.

تزئینات در هنر و معماری اسلامی صرفاً یک عامل تزئینی نیست و در عین حال یک علت مهم فنی داشته است؛ به عنوان مثال کاشی، عایق رطوبت و حرارت است و نقش روی این کاشی نیز در عین زیبایی بخشیدن به بنا تعمیرات آن را آسان‌تر می‌نمود. بدلیل عمر محدود کاشی رفو کردن یا ترمیم نمودن آن با بودن نقش، کار ترمیم را آسان می‌کند. این چندرنگ بودن نیاز به تعویض کلیه کاشی‌ها را از بین می‌برد. در معماری اسلامی کاری بیهوده انجام نمی‌پذیرد؛ در طی زمان و با پیشرفت ابزار ساخت، گنبد‌ها در مساجد به شکل دو پوسته ساخته می‌شد. گنبد دو پوش از بیرون به کارکردهای شهری و نمادین اختصاص داشته و از داخل نیز فضایی مناسب و متناسب برای عابدین فراهم می‌نموده، همچنین گنبد دو پوش جلوی حرارت تابستان و سرمای زمستان را می‌گرفته است.

این پرهیز از بیهودگی در طراحی و ساخت فضاهای زندگی و فعالیت نیز دیده می‌شود، انعطاف‌پذیری فضا و کاربردهای چندگانه بنا به نیاز در بناهای اسلامی از مشخصه‌های این رویکرد می‌باشد. چنین ویژگی سبب تحکیم کارکردی و وجودی آن عنصر یا فضا و تثبیت آن در موضع خود می‌شود. این چندکارکردی هم در عناصر معماری و هم در عناصر شهری وجود دارد. به عنوان مثال میانسرا در خانه‌های با حیاط مرکزی، همزمان عامل تأمین حریمیت و حفظ حرمت خانواده و همچنین عامل ایجادکننده یک خرده اقلیم مطبوع در مقابل شرایط نامساعد بیرون بوده است، این میانسرا در کنار ایجاد برقراری رابطه بین انسان و طبیعت، نظم فضایی مناسبی در خانه ایجاد می‌نمود و اجزای مختلف در اطراف خود را سامان می‌داد. پل‌ها نیز در شهرهای اسلامی کارکردی چندمنظوره دارند. علاوه بر کارکرد اصلی پل که برقراری رابطه و ایجاد دسترسی است. پل‌ها محل برقراری تعاملات اجتماعی شهروندان و محل گذران اوقات فراغت نیز بوده است و گاهی نیز نقش تاسیساتی داشته است.

۶-۲- توزیع و تخصیص

در معماری اسلامی تنها نحوه و نوع بنا اهمیت ندارد. کیفیت و ویژگی‌های آن نیز واجد ارزش می‌باشد. هر محله نیازمند یک سری فضاهای کاربری و کاربردی خاص می‌باشد و اصل تعادل ریشه در این نکته

دارد. هر بنا بستگی به تخصیص کاربری خاصی که دارد طراحی و ساخته می‌شود و در ساخت آن نیز اصولی خاص رعایت می‌گردد. مسجد یک محله تزئینات کمتری نسبت به یک مسجد جامع داشته و از تعدد فضایی کمتری برخوردار و همچنین یک خانه مسکونی برای یک خانواده متفاوت از یک خانه مسکونی برای چندین خانوار بود. فضاهای مسکونی مطابق نیاز افرادی که در آن زندگی می‌نمودند ساخته می‌شد رعایت اندازه و ابعاد فضاها خود عین اقتصاد است.

همانطور که بیان شد این بناها با یکدیگر ارتباط داشته و در جامعه و شهر اسلامی قابل مشاهده بودند. فضاها و کاربری‌های مختلف در سطح شهر بصورتی متعادل قرار گرفته‌اند و محلات مختلف شهر هرکدام به فراخور نیاز ساکنین دسترسی خاصی به بناها و فضاهای عمومی و امکانات شهری دارند. بازار در قلب این زنجیره وحدت بخش در شهر اسلامی قرار دارد. بازار است که در تمامی قسمت‌ها با کیفیتی همانند حضور یافته و ارتباط بین بخش‌های مختلف را تقویت می‌بخشد. این نظام توزیع متعادل در شهرهای اسلامی و تخصیص هدفمند امکانات و کاربری‌ها بنا به نوع استفاده از نمونه‌های بارز تعادل اقتصادی در معماری اسلامی می‌باشد.

۷- نتیجه‌گیری

اگر با رویکردی دین‌شناختی به اسلام و مولفه‌های آن بنگریم، در می‌یابیم که حقیقت اسلام به جهت ذیل عدالت را به عنوان مفهوم مبنایی و رکنی اساسی در دل اندیشه و تعالیم خویش جای داده است: به جهت خدای آن که عادل است و این از صفات اساسی اوست، جهان خلقتی که برپایه عدل خلق شده است، انسانی که عدل و عدالت در مرکز فطرت او قرار دارد، قرآنی که به عنوان وحی مکتوب ظاهر و باطن عدل و عدالت است، پیامبری که خود مظهر عدل است، امامانی که نمود عینی عدل و عدالت پروری در جامعه‌اند، سنتی که عدل از مبانی اساسی اندیشه‌ای و عملکردی آن است، اصول دینی که عدل را در مرتبه‌ی دوم پس از توحید در خود جای می‌دهد، و علومی که از آن منبعث می‌شود. عدل اصلی است که تنها به بعد قضایی یا بعد اجتماعی منحصر نشده و می‌تواند در همه ابعاد زندگی و افعال انسان تجلی یافته و مصداق داشته باشد.

شاخص‌های موثر در شکل‌گیری تعادل در معماری مسلمانان را می‌توان مولفه‌هایی مانند تقارن، تناسب و مقیاس، سلسله مراتب، ریتم، مصالح همگن و سازه، فن ایستایی و تزئین‌های طبیعی دانست. برخی مولفه‌هایی نیز در تعادل اقتصادی همچون تناسب، خودکفایی و اصل پرهیز از اسراف و بیهودگی تاثیر دارند. اما در محورهای دیگر همچون توزیع و تخصیص نوع مکان‌یابی، فرم و کالبد بنا تاثیر عمده‌تری را دارا

می‌باشد.

ساختمان‌های عمومی براساس نوع و نحوه استفاده دارای فرم‌های مختلف و ویژگی‌های متفاوتی بودند. بطور مثال مسجدی که در یک محله واقع می‌شد براساس نیاز ساکنین، تعداد و نوع استفاده افراد از آن بصورت‌های مختلفی ساخته می‌شد. از نوع مصالح مصرفی در آن تا نوع و مقدار تزئینات تفاوت‌های زیادی داشت. به همین صورت مساجد جامع و بزرگ هر شهر کانون توجهات بوده به این دلیل که آن‌ها کاربردی گسترده‌تر داشتند. این کاربرد تنها به تناوب و مقدار استفاده نبود و ارزش‌های معنوی نیز در آن دخیل بوده است. این بناها نوعی زنجیر وحدت بخش جامعه اسلامی در شهرهای آن دوران قلمداد می‌شدند. از آنجایی که این بناها آیین‌های تمام قد از اصول دین اسلام بودند، مسلمانان با جمع شدن در آن‌ها نه تنها فرایض دینی خود را به جا می‌آوردند بلکه با آشناسدن به روح تعالیم اسلام نظامی وحدت بخش در جامعه شکل می‌گرفت.

۸- منابع و ماخذ :

- ۱) ابی محمد حسم بن علی حرانی، (۱۳۹۸ ق)، تحف العقول، به تصحیح علی اکبر غفاری، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
- ۲) الحکیمی، محمدرضا، محمد الحکیمی و علی الحکیمی، (۱۳۷۱)، الحیاه، ۶ ج، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، (مکتب نشر الثقافه الاسلامیه)، الطبعة السابعة، تهران.
- ۳) امین‌زاده، بهناز و محمد نقی‌زاده، (۱۳۸۱)، «آرمانشهر اسلام : شهر عدالت»، نشریه صفا، شماره ۳۵.
- ۴) پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۵)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، انتشارات سروش دانش، تهران.
- ۵) پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۴)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، انتشارات سروش دانش، تهران.
- ۶) جمشیدی، محمد حسین، (۱۳۸۰)، نظریه عدالت، انتشارات پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران.
- ۷) زندی حقیقی، منوچهر؛ نظریه‌های اقتصادی در قرن بیستم (توسعه و رشد اقتصادی هماهنگ)، تهران
- ۸) زندی، منوچهر، (۱۳۶۹)، اقتصاد (فنون جدید تجزیه و تحلیل اقتصادی)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹) صدر افشار، غلامحسین، نسرتن حکمی و نسترن حکمی، (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر فارسی، چاپ سوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ۱۰) قرآن کتاب هدایت در دیدگاه امام خمینی (مجموعه تبیان، دفتر سیزدهم)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- ۱۱) مجلسی، محمد باقر، (۱۳۹۷ ق)، بحارالانوار، ۱۱۰ ج، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، الطبعة الثانیة، تهران.
- ۱۲) _____، (۱۳۸۷)، چستی معماری ایرانی - اسلامی، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.
- ۱۳) _____، (۱۳۷۷)، نهج الفصاحه، گردآوری و ترجمه ابولقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، چاپ سوم، تهران.
- ۱۴) _____، شرح اصول کافی، تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۵) _____، (۱۳۶۸)، نهج البلاغه، گردآوری ابولحسن محمد شریف رضی، ترجمه سید جعفر شهیدی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.